



# نفی تبعیض نژادی و قومی

در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)

سعید میرترابی - استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی چالوس  
مهدی مازنی - کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه آزاد چالوس



## چکیده:

تبعیض و تعصب نژادی و قومی در سراسر تاریخ به شکل‌های گوناگون و با شدت و ضعف‌های فراوان از سوی حاکمان ظالم اعمال گردیده. اسلام نیز در پرتو وحی الهی با تبعیض قومی و نژادی مبارزه برخاسته است و پیامبر اسلام (ص) نیز در خشکاندن ریشه این سنت جاهلی توفیق فراوانی به دست آورد. در دوران معاصر امام خمینی برخی مفاهیم را جان دوباره بخشید و در ادبیات سیاسی جهان اسلام آن‌ها را احیاء نمود. یکی از این مفاهیم نفی تبعیض نژادی و قومی در امت اسلامی بود که خود مقدمه‌ای برای تقریب مذاهب در دنیا و جهان اسلام می‌باشد. امام خمینی در اندیشه خود بردگونه تبعیض تأکید



بیشتری داشت؛ نخست تبعیض اقتصادی که آنرا حاصل سرمایه‌داری و حذف بعد معنوی دانسته و دیگری تبعیض نژادی که نتیجه سلطه استکبار بر ملت‌های ستمدیده عنوان می‌کرد. در این نوشتار به بررسی زمینه‌های فهم این دو تبعیض قومی و نژادی خواهیم پرداخت.

**واژگان کلیدی:** امام خمینی، اندیشه سیاسی، نفی تبعیض، قومیت، برابری.

## مقدمه

به باور برخی، امروزه دیگر واژه اقلیت آن معنای محدود پیشین را ندارد و کاربرد گسترده‌تری پیدا کرده است. در این نگاه مفهوم امروزی اقلیت، مفهومی شمارشی و عددی نیست، بلکه این اصطلاح در مورد همه گروه‌هایی به کار می‌رود که در یک جامعه زندگی می‌کنند اما به علت وابستگی قومی، دینی، مذهبی، زبانی و رفتار و عادات از دیگر افراد آن جامعه متمایز می‌شوند. ممکن است این گونه افراد زیر سلطه باشند و یا از مشارکت در امور سیاسی جامعه کنار گذاشته شوند و یا مورد تبعیض و تعدی قرار گیرند، اما اگر نوعی احساس جمعی و گروهی نیز داشته باشند، اقلیت به شمار می‌روند. (خوسروی بک، ۲)

تبعیض در اصطلاح عام به معنای ترجیح دادن کسی یا چیزی را به‌طور ناعادلانه بر دیگری (انسوری، ۱۶۱۰) است. از منظر علوم اجتماعی تبعیض عبارت است از وضع محدودیت‌هایی توسط قانون، آداب، رسوم و یا قرارداد غیررسمی علیه یک گروه خاص یا شخص خاص مانند یک گروه مذهبی، یا نژادی (بابایی، ۱۶۴) به عبارتی هنگامی که شرایط مساوی و استحقاق‌های همسان میان چیزی حاصل نشده و فرق گذاشته شود تبعض صورت گرفته است (مطهری، مجموعه آثار، ۱۲۵/۱). تبعیض نژادی نیز برتری دانستن افراد یک نژاد نسبت به نژاد دیگر از لحاظ اجتماعی، اقتصادی و سیاسی را گویند (آشوری، ۲۵۶) وجود تبعیض و مبارزه با آن از دغدغه‌های اساسی اولیه بشر است که گاهی به‌صورت کم‌رنگ و گاهی به‌صورت پررنگ نمود داشته است. در اسلام این موضوع از دید قرآن و سنت پنهان نمانده و تأکید شده که هیچ‌گونه تبعیض میان انسان‌ها وجود ندارد آنچه که ملاک برتری است تقواست (آل‌عمران، ۹۲) پیش از اسلام آشکارترین اصل، سنت قبیله‌ای یا آداب و رسوم پدران و اجداد بود (ایزوتسو، مفاهیم اخلاقی دینی، ۸۷) این نوع عصبیت قومی و نژادی بر رفتار عرب جاهلی سلطه داشته (حوری، ۳۸۳۶) با ظهور اسلام اندیشه‌های اخلاقی و قبیله‌ای در عربستان قدیم دچار تحولات زیادی شد. جنگ‌های نژادی میان قبایل عرب جاهلی با ظهور اسلام خاتمه یافت و تبدیل به روح برادری و اخوت گردید (ابن کثیر، ۲/۳۲۴-۳۲۹) یکی از اولین ابتکارات پیامبر ایجاد پیمان اخوت و برادری میان انصار و مهاجرین بود (ابن‌هشام، ۵۴) پیامبر از یک سو با ایجاد اخوت و برادری و از سوی دیگر لغو اصول نژادی و قبیله‌ای و قرار دادن ایمان به‌جای آن (بقره، ۱۲۸) تحول عظیمی در

فرهنگ جاهلی ایجاد نمود. مراد از اقلیت‌ها در این پژوهش، اقلیت‌های دینی و مذهبی است. از آن‌جا که به ناگزیر در هر کشوری بخشی از جمعیت آن‌را اقلیت‌هایی تشکیل می‌دهند که با قومیت، زبان، دین و مذهب اکثریت اختلاف دارند، پاره‌ای از سیاست‌گذاری‌ها و قوانین در رابطه و تعامل با آنان شکل می‌گیرد. پرسش مورد نظر مقاله، این است که در اندیشه سیاسی امام خمینی چه حقوق و اختیاراتی برای اقلیت‌ها در نظر گرفته شده است؟ دامنه و گستره این حقوق تا کجاست؟ آیا فقط به دیانت و مذهب آن‌ها و به عبارتی، عبادیات باز می‌گردد یا بخش‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی را نیز در بر می‌گیرد؟ مقاله به بررسی این گزاره مهم در اندیشه امام خمینی می‌پردازد و به‌طور مشخص این فرضیه مورد آزمون قرار می‌گیرد که در تأمین حقوق اقلیت‌ها در نظر امام خمینی<sup>(۵)</sup>، که برگرفته از نصوص و متون دینی است، حقوق و اختیاراتی برای اقلیت‌های دینی و مذهبی در نظر گرفته شده است از قبیل: مصونیت و امنیت، آزادی مذهبی و انجام شعائر عبادی، آزادی عقیده.

## ❁ نفی تبعیض در قرآن و روایات

در قرآن به گونه‌های مختلفی از تبعیض اشاره شده از جمله:

تبعیض میان فرزندان: یکی از عادات ناپسند تبعیض قائل شدن میان فرزندان به‌ویژه بین فرزندان پسر و دختر است. این امر به‌ویژه در دوران جاهلیت تا زنده به‌گور کردن دختران پیش‌رفته بود (نحل، ۵۸) و هر گاه خیر ولادت دختری را به یکی از آن‌ها می‌دادند از شدت ناراحتی رنگ رخساره‌اش سیاه می‌گشت (مکارم شیرازی، ۲۶۷/۱۱-۲۶۶)

تبعیض در روابط اجتماعی: خداوند درباره درخواست تبعیض آمیز و طلب امتیاز ثروتمندان مشرک مبنی بر دور کردن پیامبر جمعی از اصحاب بی‌نوا و با ایمان از اطراف خود، به پیامبر فرموده افراد صالح و دارای ذات پاک که همیشه خدا را عبادت می‌کنند از خود دور مکن (انعام، ۵۲) تبعیض نژادی: یک باور عمومی میان یهودیان وجود دارد که آن‌ها خود را نژاد برتر می‌دانند و دوستان خاص و فرزندان خدا هستند (مائده، ۱۸؛ بقره، ۸ و ۱۱۱) بنی‌اسرائیل که از دوازده قبیله تشکیل می‌شد هر کدام از این قبایل خود را برتر از دیگران می‌دانست و دیگری را پست به شمار می‌آورد (محمد الرازی، تفسیر کبیر، ۱۸۶/۶)

جهانی‌بودن دین اسلام و تعلق نداشتن به یک سرزمین و یک نژاد خاص آشکارترین دلیل بر یکسان‌نگری به تمامی افراد بشر است (اعراف، ۱۲۸، ۳/۲) به عبارت دیگر همه انسان‌ها بدون تبعیض به یک دین واحد فراخوانده شده‌اند (طیاطبایی، ۲۰۶/۱۶) اسلام بین تمام افراد از هر رنگ و نژادی پیوند برادری برقرار کرد (حجرات، ۱۰) هم‌چنین همگان در اسلام در برابر پادشاهان و کفرهای الهی برابرند و تبعیض میان هیچ طبقه و قشر خاصی نیست (مکارم شیرازی، ۱۴۱/۴) خداوند



همه‌ی نعمت‌ها و مواهب آسمانی و زمینی (خشکی و دریا) را تحت اختیار تمام انسان‌ها و افراد بشر به‌طور یکسان قرار داده است و هیچ‌گونه امتیاز و تبعیض میان انسان‌ها در راستای بهره‌مندی از همه‌ی نعمت‌های حیاتی قایل نگردیده است (حج، ۷۸) لذا برخورداری از آنچه در زمین به‌دست می‌آید حق تمام انسان‌ها بوده و محروم کردن عده‌ای تحت هر عنوان زیر پا گذاشتن قانون طبیعی و الهی است (صادقی تهرانی، ۱/۳۴۰)

اسلام تفاوت میان افراد وهم‌چنین بین زن و مرد را می‌پذیرد اما نافی تبعیض است. در نظام تکوین جهان تفاوت هست و این تفاوت‌هاست که به جهان‌بینی تنوع و تکامل بخشیده است، اما تبعیض نیست. مدینه فاضله اسلامی ضد تبعیض است اما ضد تفاوت نیست (مطهری، ۱۱۳/۲ - ۱۱۰) جامعه تبعیض جامعه‌ای است که رابطه انسان‌ها بر اساس استبعاد و استثمار است، یعنی بهره‌کشی جبری و زندگی افرادی به حساب کار و زحمت افراد دیگر است (همان). خداوند برتری‌هایی را که برای برخی قرار داده، طبیعی است که برای حفظ نظام زندگی است و مردان نصیبی از آنچه دارند به‌دست می‌آورند و زنان نیز نصیبی (نساء، ۳۲). از این آیه بر می‌آید که خداوند انسان را از آرزو و برتری‌های خاص نهی می‌کند. برتری‌هایی که ناشی از تفاوت بین اصناف می‌شود (طباطبائی، المیزان، ۴/۳۳۶)

لذا هر فرد برتری‌هایی نسبت به دیگری دارد این تفاوت‌ها طبیعی بوده و قوام زندگی اجتماعی به آن بستگی دارد. این برتری خاص یک فرد یا یک گروه و نژاد نیست بلکه هر انسان از جهت استعداد، زیبایی و نیروی جسمانی بر دیگری امتیازی دارد که عین عدالت است. قرآن توصیه می‌کند که این‌گونه تفاوت و برتری‌ها دیگران را آرزو نکنید و به جای آن به امتیاز و برتری خداوند به خودتان توجه کرده و در جهت نیل به کمال از آن بهره‌مند شوید (مکارم شیرازی، ۳/۳۶۳؛ رازی، روض الجنان، ۵/۳۴۲) ابلیس به‌واسطه احساس برتری نژادی بر بشری که از گل خشکیده و بدبود آفریده شده بود سجده نکرد (حجر، ۳۳) زیرا وی را موجودی پست‌تر از خود می‌پنداشت (السراء، ۶۱) این تعصب نژادی از مهم‌ترین عوامل بازدارنده ایمان و باعث کفر به خدا شد (مکارم شیرازی، ۲/۵۴۲-۵۳۵)

## تبعیض در رژیم پهلوی

در حکومت پهلوی سطح زندگی نسبت به دوران پیشین اندکی بهبود یافت (مرکز آمار، ۷۲ - ۳۵) با این حال در بسیاری از عرصه‌ها تفاوت‌های پایدار در توزیع منابع باقی ماند و موجب تبعیض و نابرابری‌های عمیق در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی شد (اشرف، بنوعیزی، ۱۰۷) ایران در زمان پهلوی دوم دنباله‌رو سیاست اقتصادی سرمایه‌داری حاکم بر اروپا بود و همانند آنان برای مبارزه با مارکسیسم اصلاحاتی را در جامعه برای کارگر و طبقات پائین انجام

دادند (هالیدی، ۲۴۳) با اصلاحات اقتصادی انجام شده، شاه نتوانست فاصله طبقاتی ایجاد شده را برطرف نماید و با سوء مدیریت این برنامه‌ها را به‌گونه‌ای اجرا نمود که عملاً ضربه‌ای بر پیکر نظام کشاورزی وارد ساخت (کاتوزیان، ۱۷۲) سیاست‌های اقتصادی در این دوره به‌جای تعدیل درآمد و کم‌رنگ نمودن شکاف طبقاتی به تبعیض و ازدیاد شکاف طبقاتی کشیده شد (اشرف، بنوعیزی، ۲۰۳) امام خمینی نیز ماهیت اصلاحات به‌وجود آمده در ایران را افزوده شدن فاصله طبقاتی بین غنی و فقیر می‌دانست (صحیفه امام، ۱۹۱/۱ و ۴۱۴) این شرایط سبب شد تا کشاورزان از کار و آینده خویش ناامید شوند و گروه گروه روانه شهرها گردند و به کارهای طاقت‌فرسا در کارخانجات مونتاژ بپردازند (محمدی، ۱۲۹ و ۸۱) لذا حکومت پهلوی درصدد این بود که زندگی عمومی مردم به‌ویژه کشاورزان و کارگران را به سطح برابر با دیگر اقشار و از حالت فقر خارج سازد، اما در عمل این کار محقق نشد (عیوضی، ۱۷۷، ۱۷۶)

یکی از مهم‌ترین مظاهر تبعیض حکومت پهلوی، در میان اقوام، نژادها و قومیت‌های مختلف ایران بود. با ظهور ناسیونالیسم ایرانی توسط محمدرضا شاه اقوام دچار تبعیض در حوزه‌های بشمارای از جمله آموزش، اقتصاد و اشتغال شدند (ترابی، ۳۴-۳۲) حکومت پهلوی ایالات و عشایر را مظهر آشوب، رنج و زحمت و مرگ برای مردم ایران و مانع بزرگی بر سر راه وحدت و یکپارچگی کشور و در حل مشکلات مالی و نوسازی و تجدد در ایران می‌دانست (کاتم، ۶۲) لذا برای محو کردن آن‌ها بنام شهرنشینی به یکجانشینی آن‌ها پرداخت (صحیفه امام، ۵۲۲/۶) امام خمینی سرکوب عشایر را توسط محمدرضا شاه و پدرش را با هدف از دست رفتن وحدت ملی و اسلامی عنوان می‌کرد. (همان، ۳۲۸/۷) پس از استقرار ارتش پهلوی در مناطق کردنشین بسیاری از روشنفکران کرد اعدام و یا به زندان افتادند، مطبوعات کردی تعطیل شد، کتاب‌هایی که به خط کردی بود طعمه آتش گردید و بار دیگر آموزش زبان کردی ممنوع گردید (روزولت، ۲۶۷) امام خمینی نژاد پرستی در حکومت پهلوی را قضیه‌ای مبتذل توصیف کرده که این امر را توسط دول غربی برای سرگرم کردن و بازی دادن ملل مسلمان می‌دانست (۳۷۸/۱) ایشان معتقد بودند رشد ستم‌کاری، ظلم و تبعیض در جامعه زمان پهلوی موجب آگاهی و قوه مقاومت مردم گردید (۱۱/۳) ایشان به حراج گذاشتن منابع کشور توسط رژیم پهلوی را باعث ازدیاد نابرابری و تبعیض در کشور دانسته (۲۷۸/۲، ۷۳/۳) و گرفتن وام بی‌هوده، برگزاری جشن‌های اشرافی و وابستگی به دول غربی را تنها موجب گسترش بی‌عدالتی عنوان می‌کرد (۱۷۲، ۱۷۱/۳) امام خمینی نتیجه کارهایی را که به اسم تمدن و اصلاحات ارضی صورت گرفت را تبعیض می‌دانست (۳۳۵، ۳۳۰/۷) امام خمینی نزدیک شدن قشر سنتی و مدرن جامعه را برای مقابله با رژیم پهلوی اوج تبعیض و بی‌عدالتی آن رژیم می‌دانست (۱۱/۳)



## بنیادهای ایجاد تبعیض قومی

تبعیض و نابرابری ابعاد گوناگونی مانند تبعیض اقتصادی، نژادی، قومی، جنسی، طبقاتی و... دارد. امام خمینی نیز با توجه به زمینه دینی مبارزاتی خود با رژیم پهلوی بر دو گونه تبعیض تأکید فراوان داشته است.

۱. **تبعیض اقتصادی:** تبعیض اقتصادی که شامل تبعیض در حوزه رفاه، درآمد، توزیع درآمد و منابع جامعه است. در زمان پهلوی اکثر منابع اقتصادی و کشاورزی در اختیار طبقه اشراف بود، روستائیان طبقه محروم چیزی از حاصل دسترنج خود به دست نمی آوردند (عبوضی، ۱۵۴، ۱۵۵). امام خمینی با تأکید بر تعادل اقتصادی در اسلام معتقد بود اسلام جلوی سرمایه را نمی گیرد ولی تبعیض را به گونه ای که فردی میلیاردی درآمد داشته باشد و فرد دیگری گرسنه باشد را موافق نیست (صحیفه امام، ۴۸۰/۸). ایشان نقش استعمارگران را بر تحمیل نظام اقتصادی تبعیض آمیز را تذکر می داد (ولایت فقیه، ۴۲، ۴۴) و معتقد بود که حکومت های استبدادی همواره بر این تبعیض و حمایت از اشراف تأکید کرده اند (صحیفه امام، ۷۲/۱۳). ایشان اسلام را دینی می دانست که خواهان برابری امکانات اقتصادی و سیاسی همه مردم است (همان، ۱۵۹/۴). از طرفی نظام اقتصادی مقابل اسلام را سرمایه داری دانسته و معتقد بود مشکلات نابرابری و تبعیض در دنیای امروز را نظام سرمایه داری به وجود آورده (همان، ۱۶۸/۲۱) و منشأ تبعیض در این نظام های اقتصادی را نیز حذف بعد معنوی از زندگی انسان می دانست (همان، ۴۱۰/۵). ایشان تقسیم عادلانه ثروت را موجب از میان رفتن تبعیض میان طبقه فقیر و غنی می دانست (همان، ۴۴۸/۵) و خواستار حفظ طبقه میانه و متوسط بود تا جامعه نه به سمت فقر گرایش پیدا کند و نه به سمت اشرافی گری (همان، ۲۲/۸۶).

۲. **تبعیض قومی نژادی:** از نظر امام خمینی هیچ تبعیضی میان انسان ها وجود ندارد و اسلام با هر چیزی که برابری جامعه را بر هم بزند و امتیازات پوچ را که موجب تبعیض در جامعه است را حاکم کند، مبارزه خواهد کرد (همان، ۳۸۸/۵). ایشان هدف بعثت و رسالت انبیا را نجات مردم از ظلم و تبعیض می دانست (همان، ۴۲۱/۱۲). ایشان هدف پیامبر (ص) را از تشکیل اجتماعات قیام علیه تبعیض و بی عدالتی عنوان می کرد (۳۹۳/۳) و اسلام را دینی معرفی می کرد که در آن هیچ گونه تبعیض نژادی مطرح نیست (همان، ۲۹۵/۱۱). بلکه آن را دینی می دانست که مبارزه با تبعیض را به پیروانش می آموزد (همان، ۴۲۱/۵). امام با نفی هرگونه تبعیض نژادی در اسلام بر این باور بود که ابداترک، کرد، فارس و عرب مطرح نیست، آنچه مهم است تقوا برادری و برابری است (همان، ۴۹/۹). امام خمینی با تأکید بر الگوی زندگی علی (ع) معتقد بود ایشان قاضی مملکت را خودش تعیین می کرد اما در محاکمه تبعیض میان وی و فرد یهودی را در احقاق حق نمی پذیرفت. (همان، ۲۵۸/۷). لذا این عمل را علیه بی عدالتی و اختلاف طبقاتی

عنوان می‌کرد (همان) امام مبارزه با تبعیض را توصیه پیامبر می‌دانست که تمام آیات بر این مبارزه تأکید کرده است (همان، ۲۱۴/۴) هدف از بعثت پیامبر و ظهور اسلام را از بین بردن تبعیض میان سیاه و سفید، عرب و عجم و ترک عنوان کرد (همان، ۳۷۷/۱)

ایشان ملاک برتری را در اسلام پاکی انحراف از خطا (همان، ۳۸۸/۵) و تقوا (همان، ۸۱/۵) عنوان کرده و رنگ، نژاد، قومیت و جنسیت (همان، ۱۸۷/) را فاقد ارزش می‌دانست. ایشان تبعیض میان حقوق انسانی زن و مرد و هم‌چنین مسؤولیت اجتماعی آنان را مردود دانسته (همان، ۳۶۴/۴) و ضدیت اسلام با تبعیض میان اقلیت‌ها یعنی یهودیان (همان، ۴۳۰/۴) ادامه (همان، ۳۵۷/۵) زرتشتی (همان، ۴۶۸/۶) اهل سنت (همان، ۱۰۳۷/۱۰، ۱۳۱/۸) ترکمن (همان، ۲۹۲/۱۱، ۲۹۳) کرد و نژاد رسامی را با صراحت بیان می‌کرد (همان، ۴۲۴/۵) ایشان ملت ایران را پذیرای همه نژادها از غربی، ترک و بلوچ دانسته (همان، ۸۵/۱۴) و تبعیض میان این اقوام را مانع اتحاد و باعث تفرقه عنوان می‌کرد (همان، ۴۸۷/۱۸)

## آزادی اقوام و اقلیت‌ها از نظر امام خمینی

در باره اجرای شعائر دینی و اجتماعی و مصونیت در این باره، امام خمینی اقلیت‌های مذهبی را در نظام سیاسی دینی در انجام کلیه فرایض عبادی، مذهبی و اجتماعی، آزاد می‌داند و معتقد است: «تمام اقلیت‌های مذهبی در ایران برای اجرای آداب دینی و اجتماعی خود آزادند و حکومت اسلامی خود را موظف می‌داند تا از حقوق و امنیت آنان دفاع کند و آنان هم مثل سایر مردم مسلمان ایران، ایرانی و محترم هستند.» (صحیفه امام، ۴/ ۶۴۱) لذا هیچ تفاوت و تبعیضی میان شیعه، سنی، کلیمی و مسیحی در اجرای شعائر دینی وجود ندارد. امام خمینی در این فقره ضمن تأیید آزادی شعائر و آداب دینی و اجتماعی برای اقلیت‌ها، دولت اسلامی را نیز موظف می‌داند از حقوق آنان پاسداری نموده و امنیت آنان را تأمین نماید. در همین زمینه در جایی دیگر در پاسخ به این پرسش که: آیا جمهوری اسلامی اجازه خواهد داد تا مذاهب دیگر به‌طور آزاد و آشکار به انجام امور مذهبی شان پردازند؟ می‌گوید: «بله، تمام اقلیت‌های مذهبی در حکومت اسلامی می‌توانند به کلیه فرایض مذهب خود آزادانه عمل نمایند و حکومت اسلامی موظف است از حقوق آنان به بهترین وجه حفاظت کند.» (همان، ۷۵/۳)

بحث آزادی مذهبی، آزادی مراسم و شعائر عبادی و مذهبی اقلیت‌ها توسط غالب عالمان و از جمله امام خمینی، همان‌گونه که ذکر شد، پذیرفته شده است. در این زمینه هیچ‌گونه تحمیلی برای پذیرش دین اسلام از سوی هیچ‌کس پذیرفتنی نیست. اساساً دینی که با اکراه و اجبار بر آدمیان تحمیل شود چه سودی خواهد داشت؟ علاوه بر این، خداوند در قرآن کریم چنین شیوه‌هایی را مورد مذمت قرار داده است؛ زیرا در قرآن صریحاً می‌خوانیم: «در کار دین اکراه روا نیست، چراکه راه از بیراهه به روشنی آشکار شده است.» (بقره، ۲۵۶) آیه می‌خواهد



دین و هر نوع عقیده اجباری را نفی نماید؛ زیرا دین یک سلسله معارف علمی است که معارف عملی در پی دارد. ایمان و اعتقاد از امور قلبی است که اکراه و اجبار در آن راه ندارد. اگر ایمان با اجبار توأم شود، در اعمال نیز اثر می‌گذارد و عمل اکراهی نیز ارزشی ندارد. (طباطبایی، المیزان، ۴۸۳/۲) هم‌چنین طبق نظر پاره‌ای از مفسران، آیه محتمل نفی و نهی است. یکم، نفی. که زمخشری و اغلب معتزله آن را انتخاب کرده‌اند؛ یعنی خداوند امر ایمان را بر اجبار و اکراه و وادار کردن نهاده است، بلکه بر تمکین و اختیار نهاده است. چنان که در آیه‌ای دیگر می‌فرماید: «و اگر پروردگارت می‌خواست، تمامی اهل زمین ایمان می‌آوردند، پس آیا تو مردم را به اکراه و می‌داری تا این که مومن شوند؟» (یونس، آیه ۹۹) دوم، نهی. یعنی کسی را بر اسلام آوردن اجبار نکنید؛ زیرا ایمان اجباری اعتباری ندارد و بلکه کفر اجباری هم اعتباری ندارد و از اهل کتاب باید جزیه گرفت. آیات دیگری نیز بر این مطلب دلالت می‌کند. بنا براین نمی‌توان گفت پیامبر به اجبار مردم را به سوی سعادت و بهشت رهنمون می‌شود، چه این امر از اساس با دعوت آزادانه آدمیان به توحید و یکتا پرستی منافات دارد. پیامبران در دعوت مردم به توحید و یکتا پرستی هیچ گاه از قدرت و زور استفاده نکرده‌اند. چنین شیوه‌ای با اساس دعوت به توحید ناسازگاری دارد و برای دین داران نیز قابل توجیه نیست و اساساً ارزشی ندارد. اگر خداوند چنین روشی را می‌پسندید چرا آدمیان را این‌گونه نیافرید و یا این که چرا دست پیامبر را برای انجام چنین تحمیلی باز نگذاشت و از «لا اکراه فی الدین» سخن گفت، به هر حال روشن است که هیچ اجباری برای تغییر شریعت مورد نظر و باور اقلیت‌ها و اسلام آوردن آنان نیست. علاوه بر این که آنان بر طبق نصوص دین و سیره پیامبر (ص) و امام علی (ع) در انجام اعمال عبادی خود آزاد بودند و ممانعتی در این باره صورت نگرفته است. امام خمینی و قریب به اتفاق عالمان شیعه نیز در مباحث فقهی خود در این زمینه اهل کتاب را در انجام شعایر مذهبی شان آزاد دانسته‌اند.

## آزادی اندیشه

در باره آزادی عقیده و اظهار نظر اقلیت‌ها نیز امام خمینی ضمن پذیرش آزادی برای اقلیت‌ها آنان را محق می‌داند که به اظهار نظر و عقیده خود بپردازند: دولت اسلامی، یک دولت دموکراتیک به معنای واقعی است و برای همه اقلیت‌های مذهبی آزادی به‌طور کامل هست و هر کسی می‌تواند اظهار عقیده خودش را بکند و اسلام جواب همه عقاید را به‌عهده دارد و دولت اسلامی، تمامی منطقی‌ها را با منطق جواب خواهد داد. (صحیفه امام، ۴/۴۱۰)

پیش فرض ایشان در این سخن این است که اسلام توانایی پاسخ به هر اندیشه و عقیده‌ای را داراست و از این‌رو اظهار عقیده از سوی دیگران بلامانع است؛ زیرا اسلام به‌عنوان شریعت



پیامبر خاتم، می‌تواند با منطق صحیح، پاسخ هرگونه اندیشه و عقیده‌ای را بدهد. این‌که اسلام می‌تواند به هر اندیشه‌ای پاسخ دهد خود مبتنی بر مفروض دیگری است و آن این‌که تنها اسلام از حقانیت برخوردار بوده و از این‌رو توانایی پاسخ به تمامی پرسش‌ها، چالش‌ها و نیازها و خواسته‌های بشری را داراست. گرچه ایشان به این پیش‌فرض باور دارند که نشان دهنده امتناع کثرت‌گرایی اعتقادی، مذهبی و دینی است، اما در هر صورت معتقدند دیگر اندیشه‌های بشری نیز امکان بروز و ظهور و حیات دارند. در موردی دیگر با صحه گذاشتن بر حقوق مشروع اقلیت‌ها، این اعتقاد را بیان می‌دارند که: «اسلام همیشه حافظ حقوق مشروع اقلیت‌های مذهبی بوده و هست، آنان در جمهوری اسلامی آزاداند و آزادانه به مسایل خود می‌پردازند و در پناه حکومت اسلامی چون بقیه افراد در اظهار عقیده آزادند.» (صحیفه امام، ۵/ ۱۸۸) البته ایشان متذکر می‌گردد که تساهل و تسامح تنها نسبت به اقلیت‌هایی است که وصف خراب‌کارانه بر آن‌ها صادق نیست. از این‌رو آن‌هایی که شلوغ‌کارند، آن‌هایی که خراب‌کارند، برای آن‌ها هیچ‌کس تساهلی قائل نیست. (همان، ۵/ ۲۶۱)

گرچه امام خمینی در جملات نقل شده به صراحت بر آزادی عقیده توسط اقلیت‌ها تأکید می‌نماید اما در بحث فقهی خویش بر حدود عقلی شرعی آن اشاره دارند. شیوه مباحث فقهی امام خمینی چنان که آمد مبتنی بر اصول عقلی و نقلی‌ای است که در خور تامل است. در این‌جا ایشان بر این باور است که کتاب‌های اهل کتاب دچار تحریف شده و از این‌رو شایسته‌ترویج نیستند (امام خمینی، ۲/ ۴۶۲) البته می‌توان آن‌چه در سخنان شفاهی ایشان آمده است را تفسیری بر مکتوبات فقهی امام خمینی دانست. زیرا همان‌گونه که از متن پیداست، ایشان در متون فقهی خویش تنها به زبان تکلیف و منع و تحریم اقلیت‌ها سخن گفته است، اما در گفت و گوهای شفاهی خود بیشتر به تبیین حقوق اقلیت‌ها پرداخته‌اند. از این‌رو می‌توان گفت مباحث بعدی، یعنی سخنان شفاهی امام تفسیری است بر آن‌چه پیش از آن گفته‌اند. برای تأیید ادعای فوق می‌توان به آیات قرآن استناد نمود که شیوه مباحثه و جدال نیکو با اهل کتاب را به مسلمانان آموزش می‌دهد: با اهل کتاب جز به شیوه‌ای که نیکوتر است مجادله مکنید، مگر با ستمگران آنان و بگویید به آنچه بر شما نازل شده است ایمان آورده ایم و خدای ما و خدای شما یکی است و ما همه فرمانبردار اویم. (عنکبوت، آیه ۴۶)

## مبارزه با تبعیض سیاسی

تفاوت فرهنگی از قبیل رنگ، نژاد، زبان میان ملت‌ها امری بدیهی است. اما این تفاوت‌ها هنگامی که به حربه‌ای در دست دول قدرتمند قرار گیرد موجب به‌وجود آمدن بحرانی فرهنگی یعنی تبعیض قومی، نژادی و جنسی می‌شود (یونس، ۳۱۵/ ۲۱۸)



امام خمینی معتقد بود اسلام بین سیاه و سفید، ترک عجم و عرب هیچ فرقی نگذاشته و تنها میزان را بر تقوا قرار داده است (صحیفه، ۳۷۷/۱، ۳۷۸) ایشان مسلمانان را به‌مثابه‌دست واحد دانسته که همه در مسؤولیت عمومی یکسانند لذا تفرقه‌جویی و نژادپرستی در میان ملت‌های اسلامی هیچ‌گونه جایگاهی ندارد (همان، ۲۰۱/۲) امام ملاک برتری در اسلام را پاکی و تقوا افراد می‌دانست که در این حالت زمامدار جامعه اسلامی نیز با پایین‌ترین فرد جامعه برابر است (همان، ۸۱/۵) امام خمینی مسلمانان را به‌مثابه‌دست واحد و دارای مسؤولیت یکسان دانسته و تبعیض نژاد پرستی میان ملت‌های مسلمان را حرکتی غیراسلامی می‌دانست (صحیفه امام، ۲۱۰/۲) ایشان معتقد بود هدف از تشکیل حکومت اسلامی ایجاد وحدت و برابری بوده و هیچ نژادی بر دیگر اقلیت برتری ندارد (همان، ۴۴۵/۱۳) ایشان تمام مسلمانان را از مصر تا ایران برابر دانسته و از میان رفتن این تبعیض را از برکات اسلام می‌دانست (همان، ۴۸۵/۱) ایشان حج را بهترین نماد و معارفه عدم تبعیض ملت‌های اسلامی می‌دانست که مسلمانان با کنار گذاشتن رنگ‌ها و نژادها، به‌سرزمین خود باز می‌گردند (همان، ۳۴۴/۲۱) زیرا ملل مسلمان بر حسب عقائد بزرگان دین خود میان اقوام و ملت‌ها تبعیض نمی‌گذارند (همان، ۵/۱۱)

امام خمینی دول غربی به‌ویژه آمریکا را پشتیبان تبعیض می‌خواند (همان، ۳۴/۱۲) ایشان در دست گرفتن امتیازاتی مانند حق وتو را توسط آمریکا و ابرقدرتها را بزرگترین ناحقی در سطح بین‌الملل می‌دانست (همان، ۲۹۷/۱۱، ۴۳۱/۱۶) ایشان پناه‌دادن شاه را نمونه بارز نابرابری در صحنه بین‌الملل می‌دانست که موجب اعطای امتیاز اقتصادی نژادی، زبانی به طبقه و قشر خاصی که موجب از میان رفتن حق ملت ایران شده است (همان، ۳۵/۱۲) و منشأ این‌گونه بحران‌ها را در صحنه بین‌الملل آمریکا می‌دانست (همان، ۴/۱۱) امام خمینی دولت‌های اسرائیل و آفریقای جنوبی را مصداق بارز تبعیض نژادی می‌خواند که قطع رابطه سیاسی و اقتصادی با آن‌ها را کمترین کار می‌دانست (همان، ۳۴۰/۵) ایشان معتقد بود که اسرائیل خود را نژاد برتر دانسته که به این دلیل حق تصرف از نیل تا فرات را برای خود قائل است (همان، ۵۱۹/۱۵)

امام ریشه این مسائل را در غرب به‌ویژه در دو جناح امپریالیسم و کمونیسم دانسته که آمریکا در این میان نقش ویژه دارد (همان، ۸۹/۱۸) که خود را نژادی برتر و دیگران را پست و ناقص می‌داند (همان) ایشان فریاد برائت و آزادی مردم آفریقا را میان تبعیض نژادی نمود بارز استقلال‌خواهی در برابر رژیم‌های بی‌فرهنگ و نژادپرست می‌دانست (همان، ۳۱۷/۲۰)

ایشان زمامداران کشورهای غربی را به رجوع به تعلیمات آسمانی مسیح دعوت کرده تا بتوانند در رفع تبعیضات به‌وجود آمده اقدام جدی نمایند (همان، ۲۳۶/۲۱) امام حزب بعث را همانند حزب نازی و هیتلر مصداق تبعیض نژادی دانست (همان، ۸۵/۱۴) که حاضر بودند تمام بشریت از بین برود تا خودشان در قدرت باشند (همان، ۳۷۹/۱۴) ایشان حکومت آفریقای جنوبی را

رژیمی نژاد پرست معرفی کرده که به هیچ یک از ارزش‌های انسانی ارجی نمی‌نهد (همان، ۳۹۷/۵) همچنین اسرائیل را رژیمی نژاد پرست می‌خواند که خواهان قطع رابطه کشورهای مسلمان با این کشور بود (همان، ۳۴۰/۵) زیرا اسرائیل خود را برتر از همه نژادها می‌داند و از نیل تا فرات ملک خود محسوب می‌کند (همان، ۵۱۹/۱۵) ایشان مدعیان دروغین حقوق بشر را منشأ اختلاف نژادی دانسته که حتی نژاد سفید را هم قبول ندارند بلکه تنها با تعصب نژادی خودشان را قبول دارند (۱۱۷/۱۹)

## ❁ نفی تبعیض سیاسی و قومی در جمهوری اسلامی

پس از پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی، مسأله اختلافات قومی (کرد، بلوچ، ترکمن، ترک) و مذهبی میان روحانیون شیعه و اقلیت‌های مذهبی (ارمنی، یهودی و مسیحی) مطرح شد (رجبی، ۱۳۱) امام خمینی تأکید کرد که اسلامی بودن بیش از ایرانی بودن میان ملت روابط مستقیمی برقرار کرده است. و اقلیت‌های مذهبی نه تنها آزادند بلکه دولت اسلامی موظف است از حقوق آنها دفاع کند و مسلمان، مسیحی، یهودی و مذاهب دیگر مانند همه افراد از حقوق اجتماعی یکسان برخوردارند و با دیگران فرق ندارند (۵۰۸/۴) ایشان تشکیل جمهوری اسلامی را فرصت مناسبی برای افرادی که توسط رژیم اسرائیل مورد تبعیض قرار گرفته‌اند دانسته و برای رهایی از این وضعیت و زندگی آزاد به ایران دعوت کرد (۷۴/۵) امام خمینی وضعیت مسیحیان حاضر در ایران را همراه با آزادی و عدالت دانسته (۳۷۵/۵) و معتقد بود که با مرور زمان تبعیض‌های صورت گرفته در رژیم پهلوی برطرف می‌گردد (۲۶۲/۶) در حکومت جمهوری اسلامی همه اقشار ملت با یک چشم دیده می‌شوند (۴۵۳/۶) و آزادی برای همه طبقات زن، مرد، سیاه و سفید یکسان است (۴۶۳/۶) قانون اساسی جمهوری اسلامی تبعیض را میان اقلیت‌های غیر دینی (نژادی، قومی و زبانی) با اقلیت‌های دینی قائل نشده و بر عدم تبعیض بر اساس نژاد، زبان و قومیت تأکید دارد (قانون اساسی، اصل ۱۹ و ۲۱) در قانون اساسی جمهوری اسلامی همه اقشار حقوق‌شان ملاحظه شده و اقلیت‌های مذهبی و زنان بدون هیچ تبعیض در نظر گرفته شده است (۴۶۲/۶) از نظر ایشان در جمهوری اسلامی بالاترین مسؤول و پایین‌ترین فرد برابرند و فرقی بین این دو نیست (۴۸۹/۷) و حفظ و حمایت از حقوق و مصالح اقلیت‌ها را به دور از تبعیض‌های ناروا مهم می‌دانست (۳۱۰/۹) در قوه قضائیه جمهوری اسلامی قاضی باید فردی باشد که هیچ تبعیض بین برادرش و دشمنش قائل نشود (۱۱۵/۱۳) و در مجلس شورای اسلامی نیز به گونه‌ای است که گروهی بر گروه دیگر برتری ندارد و همه یکسان هستند (۱۵۵ ۱۵۴/۱۳) ایشان جمهوری اسلامی را حکومت مبارکی عنوان می‌کرد که در آن اختلاف نژاد سیاه، سفید، ترک، عرب،



فارس، لر، کرد و بلوچ مطرح نیست<sup>(۴۵۳/۶)</sup> بلکه یکی از مهم‌ترین وظایف جمهوری اسلامی را برابری و تأمین یکسان رفاه همه شهروندان می‌دانست<sup>(۲۶۸/۷)</sup> که این مهم به از میان رفتن فقر و تقسیم عادلانه ثروت در کشور می‌انجامد<sup>(۴۴۸/۵)</sup> جمهوری اسلامی مسؤول مبارزه با تبعیض اقتصادی میان شهروندان بوده<sup>(هاشمی رفسنجانی، ۱۳۷۱: ۱۵۵)</sup> و بر تصریح قانون اساسی رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه در تمام زمینه‌ها مادی و معنوی به‌عهده حکومت اسلامی است<sup>(قانون اساسی، اصل ۳)</sup> امام خمینی جمهوری اسلامی را متعهد به رفع هرگونه تبعیض، اقتصادی سیاسی طبق مقررات و قانون اساسی می‌دانست<sup>(۵۶/۱۱)</sup> ایشان گسترش عدالت در جمهوری اسلامی را تقویت کننده حکومت دانسته<sup>(۱۴/۲۱)</sup> و مردم نیز می‌توانند به امور اجتماعی و معنوی خود با آرامش و دلگرمی بپردازند<sup>(۱۱۶/۲۰)</sup> در اندیشه امام خمینی اقلیت‌ها در نظام جمهوری اسلامی همانند سایر افراد از حقوق برابر و احترام کامل برخوردارند: «آن‌ها با سایر افراد در همه چیز مشترک و حقوقشان به حسب قوانین داده می‌شود و در حکومت اسلامی آن‌ها در رفاه و آسایش هستند.»<sup>(صحیفه امام، ۱۱/ ۲۹۰)</sup> ایشان در پاسخ این پرسش که آیا در جمهوری اسلامی اقلیت‌های مذهبی جایگاهی دارند یا خیر، ضمن بیان این که رژیم شاه با اقلیت‌ها رفتاری بهتر از رفتار با مسلمانان نداشته است معتقد بود «ما مطمئناً نسبت به عقاید دیگران بیشترین احترام را قائل هستیم. پس از سرنگونی دیکتاتوری و استقرار یک رژیم آزاد، شرایط حیات برای اکثریت مسلمانان و اقلیت‌های مذهبی بسیار خوب خواهد شد.»<sup>(صحیفه امام، ۴/ ۳)</sup>

## نتیجه‌گیری

امام خمینی به‌عنوان فقیه و اسلام‌شناس برجسته در کتاب «ولایت فقیه» همت خود را صرف پی‌ریزی اصول فقهی حکومت دینی کرده و احکام و حقوق اقلیت‌ها و نفی نابرابری را با توجه به مباحث فقهی تبیین کرده‌اند. ضمن این که ایشان به پاره‌ای حقوق سیاسی و اجتماعی اقلیت‌های مذهبی و دینی پرداخته که البته متکی بر مباحث فنی فقهی، است. ایشان این دیدگاه‌ها را در ضمن پاره‌ای از سخنرانی‌های که از سوی ایشان مطرح گشته، آورده‌اند. به‌همین دلیل در این مقاله اعتبار هر دو به یک اندازه فرض و تلاش شد تا مباحث ایشان به نصوص دینی و متون دینی بازخوانی شود.

در هر صورت در نظریه سیاسی امام خمینی بر حق حیات و ایجاد شرایط مطلوب زندگی برای اقلیت‌های قومی و نژادی و غیر مسلمانان تأکید شده است. ضمن این که تأکید به برابری اقلیت‌ها با سایر افراد شده و این که با آنان بر طبق انصاف و قانون رفتار خواهد شد. همچنین بر احترام حقوق و عقاید آنان، آزادی در انجام فرایض دینی و

مذهبی، آزادی در اظهار عقیده و... تأکید شده است. در هر صورت با توجه به اندیشه امام خمینی و نیز مباحث قانون اساسی، حوزه گسترده‌ای از حقوق برای اقلیت‌ها به تصویر کشیده می‌شود. این حقوق و اختیارات و چگونگی رفع تبعیض فرضیه اصلی این مقاله را اثبات می‌کند.

## منابع:

۱. قرآن
۲. آشوری، داریوش، (۱۳۸۲ش)، فرهنگ علوم سیاسی، تهران، مروارید.
۳. ابن کثیر، اسماعیل، (۱۳۶۹ق)، السیرة النبویة، بیروت؛ دارالمعرفة.
۴. ابن هشام، عبدالملک، (۱۳۷۵ق)، سیره النبویه، مصر، نشرمصطفی البابی.
۵. اشرف، احمد، بنوعزیزی (۱۳۸۸ش)، علی، طبقات اجتماعی، دولت و انقلاب در ایران، تهران، نشر نیلوفر.
۶. امام خمینی، صحیفه امام خمینی (۱۳۸۷ش)، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۷. انوری، حسن، (۱۳۸۹ش)، فرهنگ سخن، تهران، نشر سخن.
۸. ایزوتسو، توشیهیکو، (۱۳۸۸ش)، مفاهیم اخلاقی دینی در قرآن، ترجمه: فریدون بدره‌ای، تهران، فرزانه روز.
۹. پایند، ابوالقاسم، (۱۳۸۹ش)، نهج الفصاحة، تهران، انتشارات علمی فرهنگی.
۱۰. دهخدا، علی‌اکبر، (۱۳۷۲ش)، فرهنگ لغت دهخدا، تهران، دانشگاه تهران.
۱۱. رازی، حسین بن علی ابوالفتوح، (۱۳۶۵ش)، روض الجنان، مشهد، آستان قدس رضوی.
۱۲. رجبی، محمدحسن، (۱۳۷۸ش)، زندگی‌نامه سیاسی امام خمینی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۱۳. سیاح، احمد، (۱۳۸۵ش)، فرهنگ دانشگاهی، فارسی عربی، تهران، نشر فرحان.
۱۴. صادقی تهرانی، (۱۳۶۶ش)، محمد، البلاغ فی التفسیر القرآن بالقرآن، تهران.
۱۵. طباطبایی، سیدمحمدحسین، (۱۳۶۲)، المیزان، قم، انتشارات اسلامی.
۱۶. عیوضی، محمدرحیم، (۱۳۸۰ش)، طبقات اجتماعی و رژیم شاه، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۱۷. کاتوزیان، محمدعلی، (۱۳۹۰ش)، نه مقاله در جامعه‌شناسی تاریخی ایران، ترجمه: علیرضا طیب، تهران، نشر مرکز.
۱۸. محمدی، منوچهر، (۱۳۶۵ش)، تحلیلی بر انقلاب ایران، تهران، امیرکبیر.
۱۹. مطهری، مرتضی، (۱۳۸۲ش)، مجموعه آثار، قم، صدرا.
۲۰. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۹ش)، تفسیر نمونه، تهران، انتشارات دارالکتاب اسلامی.
۲۱. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۸۳ش)، تفسیر نمونه، قم.
۲۲. نهج البلاغه، (۱۳۷۹ش)، ترجمه سیدجعفر شهیدی، تهران، انتشارات علمی فرهنگی.
۲۳. هاشمی رفسنجانی، علی‌اکبر، (۱۳۷۶)، خطبه‌های جمعه، تهران، دفتر نشر معارف.
۲۴. هالیدی، فرد، (۱۳۵۷ش)، ایران: دیکتاتوری و توسعه، ترجمه، علی طلوعی - محسن یلفانی، تهران، علم.
۲۵. یوسفی، حسین، (۱۳۸۵ش)، فرهنگ عربی فارسی، مازندران، انتشارات دانشگاه مازندران.
۲۶. یونسی، مصطفی، (۱۳۸۰ش)، نژادگرایی و قومیت‌های معاصر در بستر تغییرات اجتماعی، تهران، جمله مطالعات ملی، شماره ۹.

